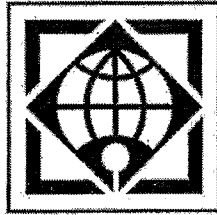


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه بین المللی امام خمینی



IMAM KHOMENI  
INTERNATIONAL UNIVERSITY

وزارت علوم و تحقیقات و فناوری

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته زبان و ادبیات فارسی

**عنوان:**

## **بررسی صور خیال در اشعار حزین لاهیجی**

استاد راهنما:

دکتر رضا سمیع زاده

استاد مشاور:

دکتر محمد حسین سرداغی

نگارنده:

محبوبه رمضانی نژاد مقدم

اسفند ۸۷

۱۳۸۸ / ۳ / ۳۱

کتابخانه مرکزی امام خمینی  
تاسیس ۱۳۵۷

۱۱۳۵۰۸

بسمه تعالی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)  
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی  
(فرم شماره ۲۶) -

تعهد نامه اصالت پایان نامه

تاریخ

اینجانب مهندس سید سعیدرضا حسینی دانشجوی رشته زیاد و ارتباطات مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان بررسی سیستم مدیریت منابع در سازمان خیرین راهچی را تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو  
امضاء و تاریخ

بسمه تعالی

دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) - قزوین

جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد خانم محبوبه رضایی نژاد مقدم  
بازکیایی دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی تحت عنوان «بررسی صور  
خیال در اشعار حزین لاهیجی» در تاریخ ۸۷/۱۲/۱۴ برگزار گردید و با  
نمره ۱۹ و درجه عالی مورد تایید هیات داوران واقع گردید.

استاد راهنما: آقای دکتر رضا سمیع زاده

استاد مشاور: آقای دکتر محمد حسین سرداخی

داور داخلی: دکتر سید اسماعیل قافله باشی

داور خارجی: دکتر فیاض سرافقی



نماینده تحصیلات تکمیلی: دکتر محمد تقی آذر مینا

«تقدیم به خدا»

آنکه نیرو و توانایی اش با من است

در زندگی ام و نوشته هایم

من شروع می کنم و او به پایان می برد

## چکیده

این رساله با عنوان « بررسی صور خیال در شعر حزین لاهیجی » در یک مقدمه و چهار فصل تألیف شده است.

در مقدمه، چهره شاعر، معرفی شده و در واقع مقدمه، مختصری ست درباره زندگی شاعر و اشعار وی. همچنین مختصری درباره سبک هندی (سبک شاعری حزین لاهیجی) بحث نموده و تعدادی از ویژگیهای این سبک را بر شمره ایم.

در فصل اول، مبحث تشبیه، از چهار دیدگاه به تشبیه در دیوان حزین پرداخته، سپس برای هر یک نمونه ها و شواهدی آورده ایم و در پایان هر بحث، نمونه آماری آن مبحث داده شده است. نیز در پایان فصل، جدولی تهیه کرده، یک نگاه کلی به تشبیهات شاعر داشته ایم و تعداد تشبیهات، بطور جداگانه ذکر شده است.

در فصل دوم به شعر لاهیجی از دیدگاه مجاز مرسل نگریسته ایم و بر اساس علاقه های موجود در دیوان حزین، به ذکر نمونه و شاهد پرداخته ایم و در پایان فصل جدولی از مجموعه مجازهای مرسل ترتیب داده ایم.

در فصل سوم تعریف و تقسیم بندی های خاص استعاره در چهار بخش مصرحه، مکنیه، مرکب و تبعیه آمده است و جزئیات عنوان های هر مورد ذکر شده، سپس نمونه هایی از شعر حزین آورده شده و در پایان هر بحث، مانند مبحث تشبیه، نمونه آماری آمده است.

در پایان این فصل نیز، جدولی از تعداد استعاره های یافت شده در دیوان حزین آمده است.

در فصل چهارم کنایه را مورد بررسی قرار داده ایم. با عنوان های: کنایه از فعل، کنایه از صفت و کنایه از موصوف و نیز کنایه را به لحاظ وضوح و خفا بررسی نموده و برای هر کدام به ذکر شواهدی پرداخته ایم و در پایان جدولی کلی از کنایه های موجود ارائه کرده ایم.

در پایان فصل نیز فهرست منابع و مراجع آورده شده است.

با تشکر صمیمانه از جناب دکتر رضا سمیع زاده که راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند

همچنین سپاس فراوان از جناب دکتر حسین سر داغی که زحمت مشاوره این رساله را کشیدند.



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	مقدمه
..... ۵	شرح احوال و آثار خزین لاهیجی
..... ک	مختصری در سبک هندی
..... ع	پی‌نوشت مقدمه
<b>فصل اول : تشبیه</b>	
..... ۲	۱- تشبیه
..... ۴	۱-۱- طرفین تشبیه و انواع تشبیه به اعتبار آن
..... ۴	۱-۱-۱- مشبه حسی، مشبه به حسی
..... ۱۳	۱-۱-۲- مشبه عقلی، مشبه حسی
..... ۱۵	۱-۱-۳- مشبه حسی، مشبه به عقلی
..... ۱۶	۱-۲-۱- مشبه عقلی، مشبه به عقلی
..... ۱۷	۱-۲- تشبیه از دیدگاه ادات و وجه شبه
..... ۱۷	۱-۲-۱- تشبیه مرسل مفصل
..... ۲۶	۱-۲-۲- تشبیه مؤکد مفصل
..... ۲۷	۱-۲-۳- تشبیه مرسل مجمل
..... ۲۹	۱-۲-۴- تشبیه مؤکد مجمل (بلیغ)
..... ۵۴	۱-۳-۱- تشبیه به اعتبار مفرد، مقید و مرکب بودن
..... ۵۵	۱-۳-۱- تشبیه مفرد به مفرد
..... ۶۰	۱-۳-۲- تشبیه مفرد به مقید
..... ۶۲	۱-۳-۳- تشبیه مقید به مفرد
..... ۶۵	۱-۳-۴- تشبیه مقید به مقید
..... ۶۷	۱-۳-۵- تشبیه مرکب به مرکب

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۶۹	۴-۱- تشبیه به اعتبار تعدد طرفین تشبیه
۶۹	۱-۴-۱- تشبیه ملفوف
۷۰	۲-۴-۱- تشبیه مفروق
۷۲	۳-۴-۱- تشبیه اضممار (مضمّر)
۷۵	۴-۴-۱- تشبیه تفضیل
۷۷	۵-۴-۱- تشبیه جمع
۷۹	۶-۴-۱- تشبیه تسویه
۸۰	جدول فصل اول
۸۱	پی‌نوشت فصل اول

### فصل دوم: مجاز

۸۴	۱- مجاز
۸۴	۱-۲- علاقه کلیت و جزئیت
۸۴	۲-۱-۱- ذکر جزء و اراده کل
۸۷	۲-۱-۲- ذکر کل و اراده جزء
۸۷	۲-۲- علاقه حال و محل
۸۷	۲-۲-۱- ذکر محل و اراده حال
۹۴	۲-۲-۲- ذکر حال و اراده محل
۹۴	۳-۲- علاقه ماکان
۹۵	۴-۲- علاقه صفت و موصوف
۹۶	۵-۲- علاقه تضاد
۹۷	۶-۲- علاقه قوم و خویشی
۹۹	جدول فصل دوم

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰۰	پی‌نوشت فصل دوم
<b>فصل سوم: استعاره</b>	
۱۰۲	۳- استعاره
۱۰۳	۳-۱- استعاره مصرحه (تصریحیه، محققه، تحقیقیه)
۱۰۳	۳-۱-۱- استعاره مصرحه مجرد
۱۰۷	۳-۱-۲- استعاره مصرحه مرشحه
۱۱۱	۳-۱-۳- استعاره مصرحه مطلقه
۱۱۹	۳-۲- استعاره مکنیه تخیلیه (بالکنایه)
۱۲۴	۳-۲-۱- تشخیص
۱۵۱	۳-۳- استعاره مرکب
۱۵۲	۳-۴- استعاره تبعیه
۱۵۸	جدول فصل سوم
۱۵۹	پی‌نوشت فصل سوم
<b>فصل چهارم: کنایه</b>	
۱۶۱	۴-۱- انواع کنایه به لحاظ مکنی عنه
۱۶۲	۴-۱-۱- کنایه از موصوف
۱۶۵	۴-۱-۲- کنایه از صفت
۱۷۰	۴-۱-۳- کنایه از فعل یا مصدر
۱۷۸	۴-۲- انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا
۱۷۸	۴-۲-۱- ایما
۱۸۰	۴-۲-۲- تلویح
۱۸۰	۴-۲-۳- رمز

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۸۱	۴-۲-۴- تعریض
۱۸۲	جدول فصل چهارم
۱۸۳	پی‌نوشت فصل چهارم
۱۸۴	منابع و مأخذ

علايم اختصاري كه در اين رساله از آن استفاده شده است.

ص صفحه

ب بيت

## شرح احوال و آثار حزین لاهیجی

نام او محمد مشهور به محمد علی، نام پدرش ابی طالب است و نسب او با شانزده واسطه به شیخ زاهد گیلانی، عارف قرن ششم و مرید شیخ صفی الدین اردبیلی می رسد. خاندان حزین بنا به گفته خود او همه اهل علم و فضیلت بوده اند و او در محیط خانوادگی ای رشد و پرورش یافته که همه اعضای آن اهل علم و دانش بوده اند.

پدر حزین در بیست سالگی به شوق درک صحبت دانشمندان عراق عجم (که اصفهان یکی از شهرهای آن بوده است) از لاهیجان به اصفهان می آید. حزین در تاریخ و سفرنامه خود می نویسد: «اما والد مرحوم در سن بیست سالگی بعد از تحصیل بسیاری از مطالب علمی نزد مولانا فاضل ملاحسن شیخ الاسلام گیلانی به شوق ادراک صحبت فضیلتی عراق به اصفهان آمده، در درس مدرس استاد العماء آقا حسین خوانساری علیه-الرحمه که مآثر فضایل و مناقبش از غایت اشتها بی نیاز از اظهار است، به استفاده مشغول شدند و فنون ریاضیه را در خدمت بطلمیوس زمان علامه مولانا محمد رفیع که به رفیعی یزدی مشهور است تکمیل نموده، چنان استغراقی در مطالعه و مباحثه یافتند که محصلین را کمتر میسر آمده باشد و تا اواخر عمر بر همان منهاج بود<sup>۱</sup>».

پدر حزین پس از چندی با دختر حاج عنایت الله اصفهانی ازدواج می کند و از او صاحب چهار فرزند می شود که فرزند اول آنها حزین بوده است. او سه برادر نیز داشته است که یکی در کودکی و دو تای دیگر در جوانی در گذشته اند.

«حزین در اصفهان متولد شده اما پدرش از مردم لاهیجان بوده و از این نظر است که وی به لاهیجی شهرت یافته است. اگر چه گاه گاه او را به عنوان حزین اصفهانی نیز نوشته اند. بعضی نیز با در نظر گرفتن هر دو جنبه او را حزین لاهیجی اصفهانی ضبط کرده اند<sup>۲</sup>».

همچنین در فرهنگ دکتر معین ذیل حزین آمده: «محمد علی بن ابوطالب لاهیجی اصفهانی<sup>۳</sup>».

تولد حزین در روز دوشنبه ۲۷ ربیع الاول ۱۱۰۳ در اصفهان است.

حزین از همان اوان کودکی به فراگیری علم و دانش پرداخته و از محضر پدر خویش و همچنین استادان و عالمان بزرگ از جمله عمویش شیخ عبدالله گیلانی بهره های فراوان برده و با علوم مختلف از جمله علم حدیث، منطق، حساب و .... آشنا شده است.

«وی از کودکی شعر می گفته، استادش او را از این کار باز می داشته است. اما کوشش وی نتوانسته است چشمه احساس او را از جوشش باز دارد و همواره شعرهایی می گفته و می نوشته و پنهان می ساخته است. روزی در محضر پدرش گفتگو از شعر محتشم کاشانی در می گیرد و یکی از حاضران غزلی از وی بدین مطلع می خواند:

ای قامت بلند قدان در کمند تو      رعنائی آفریده قد بلند تو

پدرش به وی اشارت می کند تا مطلعی بدین گونه بسازد و او نیز فرمان را امتثال می کند و می خواند، حضار در شگفت می شوند و او چند بیت دیگر نیز که همچنان بر بدیعت گفته بود در دنباله آن مطلع می خواند که مایه شگفتی و تحسین بیشتر حاضران می گردد. پدرش به وی جایزه ای می دهد و او را در کار شعر گفتن آزاد می گذارد، اما نه بدان پایه که وقتش را ضایع کند. از این پس حزین، بی آنکه مانعی در شاعری خویش احساس کند. به گفتن شعر می پردازد و تخلص حزین را هم یکی از استادانش به نام شیخ خلیل الله طالقانی به وی می دهد.<sup>۴</sup>»

در میان شاعران روزگار حزین، زندگی او، از حیث سفرهای بسیار و دیدن گوشه و کنار ایران و هند و حجاز و عراق، دارای اهمیت است و حوادثی که در زندگی او روی داده در زندگی کمتر کسی از شاعران ما دیده شده است.

علی دوانی در کتاب مفاخر اسلام که جلد هفتم آن به دانشمندان لاهیجان اختصاص دارد، در شرح حال حزین لاهیجی می نویسد: «سفرهای او را اگر درست ارزیابی کنند و نقاطی را که دیده و گشته است و فواصل آنها را تخمین زنند، به طور قطع باید او را به علاوه جنبه های علمی و عرفانی و مقام والای ادبی و شعریش، چنانکه گفتیم از سیاحان و علمای جهانگرد هم به شمار آورند و سفرنامه اش را از نظری، یک کتاب جغرافی بدانند.<sup>۵</sup>»

با مطالعه شرح حال حزین به این نتیجه می‌رسیم که او شاعری نیست که در گوشه‌ای دور از مسائل اجتماع به سر برد و فقط به وزن و قافیه بیندیشد بلکه او عارفی مردمی و گوینده‌ای در صفحه سیاست روزگار خود است.

در حمله افغانان به ایران او زادگاه خویش اصفهان را، بنا به وصیت پدر خود ترک می‌کند و به بلاد مختلف ایران از جمله شیراز، لار، فسا، خرم‌آباد، شوشتر و ... می‌رود و متحمل سختی‌ها و رنج‌های فراوان می‌شود و در نهایت به هند می‌رود و تا پایان عمر در هند می‌ماند و در همان جا به خاک سپرده می‌شود.

اگر چه حزین بسیار موزد احترام و بزرگداشت مردم و دانشمندان این کشور بود اما زندگی در این کشور با روحیه حساس او، چندان سازگار نبود. او در شعر خویش به انتقاد و بدگویی از مردم هند و هجو بزرگان و امرای این کشور پرداخت و از هند با عناوینی نظیر دوزخ، جهنمکده، هندجگرخوار و ... نام برد. او همچنین قصیده‌ای در شکایت از زندگی در هند دارد.

سرانجام این هجوها و بدگوییها باعث می‌شود که شعرای هندوستان نیز به انتقاد از شعر و زندگی حزین پردازند.

در زیر به ابیاتی مستخرج از ایران حزین در انتقاد از هند و مردم آن اشاره می‌شود: به همه دعوی اسلام چو اصحاب سعیر

ص ۹۲ ب ۱۵ روزگاری ست که در دوزخ هندیم، اسیر

ده سال شد که در هند، عمرم به رایگان رفت

ص ۱۴۵ ب ۱۳ زینسان کسی نداده، بر باد زندگانی

در جهنمکده هند که از تاب هوا

شعله ور چون پر پروانه بود، بال ملخ

دارد افسرده تو را، شعبده چرخ حزین

ص ۱۶۴ ب ۲ چه توان کرد کنون، ماهیت افتاده به فخ

نسناس سیرتی ست، تمنای مردمی

ص ۲۳۹ ب ۷ از دیو لاخ هند که انسان نداشته ست



مشنو فسون زهد که در تیره خاک هند

ص ۳۱۴ ب ۱۳

هر کس نیافت دولت دنیا، فقیر شد

فلک افتاده من بود، به هندی انداخت

ص ۳۷۴ ب ۱۵

عاقبت کین ز من عاقبت اندیش کشید

رسوای جهان می‌کندم، هند جگرخوار

ص ۵۵۰ ب ۱۸

غم پرده در افتاده، دل شاد کجایی؟

از هند نجس، نجات می‌خواهم و بس

غسلی به شط فرات می‌خواهم و بس

مرگی که بود به کام دل در نجف است

ص ۷۹۱ ب ۱۴

از بهر همین حیات می‌خواهم و بس

در کتاب تاریخ تذکره های فارسی احمد گلچین معانی به نقل از علی ابراهیم خلیل خان بنارسی صاحب تذکره خلاصه الکلام آمده: «مخفی نماند که به سبب توهین و تحقیر هند و مردم هند که در نظم و نثر آن عالی مقدار بیشتر از این مقوله اشعار شده، بعضی از صاحب کمالان هندوستان از او منحرف شده، کنایه ناملازم که منافی کمال اوست، در تصانیف خود ایراد کرده اند، و این معنی دست آویز افکار اکثری از عوام مرتبه ناشناس شده است، لیکن در نظر انصاف حق به دست حضرت شیخ است، چرا که به هنگام ورود او هندوستان به سبب ارتکاب سلطان به لعب و بازی و اشتغال امرا به تن پروری و خودسازی، از هنر نامی و از فضیلت نشانی باقی نمانده بود و مردم هر پیشه از حد خود تجاوز نموده و ضوابط قدیم از دست داده، مرتکب اوضاع نامسدود و مبدع اطوار مستکره نامحمود گشته بودند، باعث اختیار غربت شیخ از به هم خوردگی آل صفویه و استیلای نادرشاه و حدوث مفاصد گوناگون است.<sup>۶</sup>»

«از میان کسانی که به نقد کارهای حزین پرداخته اند، یکی سراج الدین علیخان آرزو است. این مرد در تذکره ای که به نام مجمع النفایس تألیف کرده است با لحنی تند و نیش دار حزین را به سختی مورد انتقاد قرار داده است. علاوه بر اینها انتقادی نیز بر دیوان حزین نوشته که به تنبیه الغافلین در اعتراضات بر اشعار حزین شهرت یافته ...

دیگر از شاعرانی که به نقد و خرده گیری در اشعار حزین پرداخته اند، میرمحمد عظیم «ثبات»، پسر میر محمد افضل «ثابت» است... این مرد کوشیده است تا مضامین متحل دیوان حزین را، از آثار پیشینیان پیدا کند، تا اندازه ای هم موفق شده اما در بیشتر موارد تندروی کرده است.<sup>۷</sup>

حزین همواره در تلاش برای آموختن بوده است و با وجود محیط خشک و تعصب خیز خویش، به مطالعه در ادیان مختلف از جمله آیین مسیحیت، زرتشت، یهود و ... پرداخته است. او همچنین مطالعاتی در زمینه مذاهب مختلف اسلامی داشته اما در مذهب تشیع استوار بوده و در بسیاری از قصاید خویش به مدح و منقبت امیرالمومنین و حضرت محمد (ص) پرداخته است.

«حزین بی هیچ تردید آخرین شعله پرفروغ سبک هندی یا اصفهانی است، زیرا پس از وی در این شیوه، شاعری که بتوان از وی نام برد، نیامده است و با اینکه در آخر روزگار زندگی این شیوه می زیسته است شعرش برخلاف همه معاصرینش و حتی بسیاری از پیشینیانش، از نظر تخیل بسیار روشن و فصیح است»<sup>۸</sup>.

دیوان حزین مشتمل بر حدود دوازده هزار بیت و شامل انواع شعر مثل قصیده، غزل، مثنوی، رباعی و... است. قصایدش بیشتر استقبال از انوری و خاقانی است. در دیوان او گاهگاهی اشعار عربی نیز دیده می شود.

«غزلیات او که در حدود ۷ هزار بیت دیوانش را تشکیل می دهد بهترین آثار اوست و چنانکه می دانیم شاعران این سبک جز غزل دیگر شیوه های شعر را به خوبی از عهده بر نیامده اند ... خصوصیات برجسته ای که می تواند نمایشگر سبک اصلی غزلهای حزین باشد این است که نسبت به دیگر شاعران شیوه هندی، علاوه بر فصاحت و روشنی بیان، غزل او بیشتر رنگ عاشقانه دارد. در آثار شاعران این سبک مضامین گوناگون در غزل راه یافته اما در دیوان حزین غزلهای او بیش از هر شاعر دیگری رنگ عاشقانه دارد. چاشنی عرفانی غزلهای او نیز یکی از مشخصات حال و هوای غزل سرایی اوست. حزین غزلهای خویش را به استقبال عطار و مولوی و قاسم انوار سروده است»<sup>۹</sup>.

در دیوان او شش مثنوی وجود دراد با نامهای صغیر دل، چمن و انجمن، خرابیات، مطمح الانظار، فرهنگ نامه و تذکره العاشقین.

چنانچه اشاره شد، حزین علاوه بر دیوان شعر، آثاری به نثر نیز داشته است. مرحوم بهار در کتاب سبک شناسی می نویسد: «از جمله نویسندگانی که در آخر دوره صفوی بروز کردند شیخ محمد علی حزین گیلانی ۱۱۰۳ - ۱۱۸۰ و لطفعلی خان متخلص به آذر بیگدلی ۱۱۲۳-۱۱۹۵ است. حزین و آذر هر دو صاحب دیوان شعرند و هر دو نیز یادداشتهایی در حوادث انقراض صفویه و حمله افغانان تا ظهور نادرشاه نوشته اند که بسیار مفید و از لحاظ سادگی و روانی و خوش اسلوبی قابل توجه و شایان تمجید است»<sup>۱۰</sup>.

حزین کتابی در احوال شاعران به نام تذکره حزین و سرگذشتی از خود به نام تاریخ حزین دارد که مشهورترین اثر وی همین کتاب اخیر یعنی تاریخ و سفرنامه اوست. هر دوی این کتابها حاوی اطلاعات سودمند است.

احمد گلچین معانی در تاریخ تذکره های فارسی در معرفی تذکره حزین می نویسد: «تذکره عصری مختصر و معتبری ست مشتمل بر یک مقدمه و دو فرقه در ذکر علما و شعرائی که از ۱۱۰۳ هجری (سال ولادت مولف) تا زمان تألیف پا به عرصه ظهور نهاده اند»<sup>۱۱</sup>.

«سرانجام حزین پس از هفتاد و دو سال زندگی در سال ۱۱۸۰ در بنارس زندگی را بدرود گفت و در باغی که خود ساخته بود به خاک سپرده شد.

کسانی که به آن دیار مسافرت کرده اند این ابیات را بر سنگ مزار او خوانده اند:

زیان دان محبت بوده ام دیگر نمی دانم

همین دانم که گوش از دوست پیغامی شنید اینجا

حزین از پای ره پیمای بسی سرگشتگی دیدم

سر شوریده بر بالین آسایش رسید اینجا»<sup>۱۲</sup>

## مختصری در سبک هندی

در این مقدمه تلاش شده در باره سبک هندی (سبک شاعری محمد علی حزین لاهیجی) توضیحاتی داده شود.

در کتاب سبک شناسی شعر دکتر شمیسا آمده است: «انقلاب اجتماعی دیگری که باعث تغییر سبک شد حکومت سلسله صفوی است که جهان بینی شیعی داشتند. تغییر مذهب و رواج شیعه از عوامل مهم در تغییر تفکر و بیان یعنی تغییر سبک است.<sup>۱۳</sup>» در باب سبک هندی و وجه تسمیه آن بحثهای دراز دامنی شده است، برخی مانند دکتر امیری فیروز کوهی معتقدند که: «حق این است که یا آن را سبک اصفهانی بنامیم از این رو که اصفهان آن روز عاصمه مملکت ایران و مجتمع هنر و هنرمندان و محل پرورش و نام آوری ایشان از شاعر و نقاش و موسیقیدان و تنها جای گرد آمدن و ظهور و بروز ایشان بود و ... یا سبک صائب، بنا به انتساب شی به فرد اکمل آن .... نیز می توان نام دیگری که به عقیده من شمول بیشتری دارد و عمومیت کاملتری را می رساند انتخاب کرده و بگوییم سبک صفوی<sup>۱۴</sup>».

و برخی نیز معتقدند که باید این سبک را، سبک هندی نامید. در کتاب صائب و سبک هندی مقاله ای با عنوان «سبک هندی و وجه تسمیه آن» آمده، نویسنده این مقاله بر آن است که: «منکر نمی توان شد که هند در پرورش این سبک به جهات عدیده سهم بسزایی دارد و اگر این سبک را بدین نام مسمی ساخته اند بیراهه نرفته اند، زیرا با اداء این نام رقت مضمون، باریکی معنی، نازکی خیال، ریزه کاریهای خوش آیند و تأمل فراوان در دقیقه یابی متبادر به ذهن می شود و هرگز نام سبک اصفهانی این موارد را در بر نمی گیرد.<sup>۱۵</sup>».

بعضی نیز بر این عقیده اند که: «سبک هندی نه مکتبی صرفاً ایرانی و نه اصولاً مکتبی هندی است بلکه مکتبی ادبی است که طی یک پروسه تاریخی با تلفیق ادبیات فارسی و زیبا شناسی هنرمندی شکل گرفته و در عصر صفویه، بنا به ضرورت تاریخی (فشار داخلی و آزادی نسبی در هند و پیدایش شهرنشینی) بروز کرد و به خاطر همین